

## چند کلمه از «الدوز»:

\*- بچه ها، سلام! اسم من اولدوز است. فارسی اش می شود: ستاره. امسال ده سالم را تمام کردم. قصه ای که می خوانید قسمتی از سرگذشت من است. آقای «بهرنگ» یک وقتی معلم ده ما بود. در خانه ی ما منزل داشت. روزی من سرگذشتم را برایش گفتم. آقای «بهرنگ» خوشش آمد و گفت: اگر اجازه بدهی، سرگذشت تو و کلاغ ها را قصه می کنم و تو کتاب می نویسم. من قبول کردم به چند شرط: اولش این که قصه ی مرا فقط برای بچه ها بنویسد، چون آدم های بزرگ حواس شان آن قدر پرت است که قصه مرا نمی فهمند و لذت نمی برند. دومش این که قصه ی مرا برای بچه هایی بنویسد که یا فقیر باشند و یا خیلی هم ناز پرورده نباشند. پس، این بچه ها حق ندارند قصه های مرا بخوانند:

۱- بچه هایی که همراه نوکر به مدرسه می آیند. ۲- بچه هایی که با ماشین سواری گران قیمت به مدرسه می آیند. آقای «بهرنگ» می گفت که در شهرهای بزرگ بچه های ثروت مند این جور می کنند و خیلی هم به خودشان می نازند. این را هم بگویم که من تا هفت سالگی پیش زن بابام بودم. این قصه هم مال آن وقت هاست. ننه ی خودم توی ده بود. بابام او را طلاق داده بود، فرستاده بود پیش دده اش به ده و زن دیگری گرفته بود. بابا در اداره ای کار می کرد. آن وقت ما در شهر زندگی می کردیم آن جا شهر کوچکی بود. مثلاً فقط یک تا خیابان داشت. پس از چند سال من هم به ده رفتم.

\*\* - به هر حال، آقای «بهرنگ» قول داده که بعد از این، قصه ی عروسک  
گنده ی مرا بنویسد. امیدوارم که از سرگذشت من خیلی چیزها یاد بگیرید.

دوست شما- اولدوز

منبع: قصه های صمد بهرنگی: کتاب اول جلد اول مجموعه قصه ها  
(ناشر: کتاب ارزان ۱۹۹۸) چاپ اول

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴